

اخبار کوتاه

۱۵ هزار میلیارد تومان حقوق دولتی معادن معوق مانده است

دادستان دیوان محاسبات کشور گفت: «بالغ بر سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از حقوق دولتی معوق معادن وصول و به حساب مربوطه نزد خزانه داری کل کشور واریز شد. به گزارش تسنیم، به نقل از دفتر روابط عمومی و امور بین الملل دیوان محاسبات کشور، بالغ بر سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از حقوق دولتی معوق معادن وصول و به حساب مربوطه نزد خزانه داری کل کشور واریز شد. علی کامیار، دادستان دیوان محاسبات کشور در حاشیه مراسم معارفه مدیرکل جدید دیوان محاسبات در ایلام با اعلام این خبر گفت: «طبق مستندات ارسالی وزارت صنعت، معدن و تجارت این واریزی طی سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ وصول و واریز شده و پیگیری های دادسرای دیوان محاسبات کشور تا تسویه کامل حقوق دولتی معادن ادامه خواهد داشت.» دادستان دیوان محاسبات افزود که در بررسی های به عمل آمده و گزارش های مسئولان سازمان صنعت معدن تجارت در استان های مختلف مشخص شد که تا پایان سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۱۵ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان حقوق دولتی معادن معوق مانده است و از آنجا که پس از وصول ۶۵ درصد وجوه مذکور، الباقی باید به وزارت صنعت، معدن وتجارت اختصاص داده شود تا در مسیر اکتشافات جدید و توسعه بخش معدن به مصرف برسد، عدم وصول به موقع موجب تاخیر در اجرای سیاست ها و رشد و توسعه در بخش معادن شده است. گفتنی است بیشترین مبلغ وصولی حقوق دولتی معوق معادن به ترتیب شامل استان های کرمان بیش از ۲۵۰۰ میلیارد تومان، خراسان رضوی حدود ۳۶۹ میلیارد تومان و کردستان بیش از ۲۲۵ میلیارد تومان شده است.

رئیس سازمان امور مالیاتی اعلام کرد

فرار مالیاتی

به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسید

رئیس کل سازمان امور مالیاتی ضمن بیان اینکه درآمدهای مالیاتی در سال گذشته کمتر از نصف مزایا و حقوق اجتناب ناپذیر شاغلان بازنشسته کشور بوده است، اعلام کرد: «اکنون میزان فرار مالیاتی موجود در کشور ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است که ۵۰ درصد فرار مالیاتی و مابقی ناشی از اجتناب مالیاتی است.» به گزارش ایسنا، امیدعلی پارسا در همایش نقد و بررسی طرح قانونی مالیات بر عایدی سرمایه که در وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد، اظهار کرد: «اصلاح و تحول نظام مالیاتی به اجماع سه قوه کشور نیاز دارد، زیرا جنس مالیات با سایر امور حاکمیتی و دولتی فرق می کند. تغییرات همه گیر نظام مالیاتی به مجموعه زیرساخت ها و همراهی محیط فرهنگی و اداری کشور نیاز دارد. به عبارت دیگر نمی توان یک روزه همه مردم را ملزم به نیاز نام در سامانه مالیاتی کرد و پس از آن گفت که اگر ثبت نام نکنید، صورت حساب های شما قبول نمی شود.»

وی با بیان اینکه نرخ سود بانکی باید بیشتر از نرخ تورم باشد، افزود: «مسائل مالیاتی همه گیر چون قانون پایانه های فروشگاهای به یک فضای باثبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همراهی رسانه ها برای آگاهی بخشی و همکاری اصناف نیاز دارد. در کشوری که نواقص مختلفی در بازارهای مختلف و امکانات سوداگری، میانگین نرخ ۳۵ درصدی تورم در سال گذشته و نرخ سود بانکی ۲۰ درصد وجود دارد، نمی توان به راحتی اصلاحات و تغییرات مالیاتی را کلید زد. از سوی دیگر از آنجا که نرخ سود واقعی ۱۵ درصد منفی است و با این نرخ سود منفی، تمام تصمیماتی که گرفته می شود، مبنای تئوریک ندارد، درحالی که در دنیا زمانی که تورم ۴ درصد باشد، سود بانکی ۵ درصد است، بنابراین سود بانکی از تورم بیشتر است.» پارسا با اعلام اینکه سال قبل کل درآمدهای مالیاتی کشور کمتر از نصف مزایا و حقوق اجتناب ناپذیر شاغلین بازنشسته کشور است، ادامه داد: «پاراادیم مالیات ستانی، مشارکت حاکمیت و مردم است و درمجموع زمانی که فرهنگ، قوانین، ساختار و بخشودگی های موجود در کشور ایراد دارد، اجرای مالیات هم به مشکل برمی خورد و آن را از کارکرد اصلی و مناسب دور می کند. محاسبات ما نشان می دهد باید بتوانید ۱۸ درصد بیشتر مالیات بگیرید تا ۱ درصد سهم مالیات نسبت به تولید ناخالص داخلی را افزایش دهید.»

رئیس کل سازمان امور مالیاتی با اشاره به قانون پایانه های فروشگاهای گفت: «قانون پایانه های فروشگاهای و سامانه مودیان به عنوان بزرگ ترین طرح کشور، ردیف اعتباری و نیروی استخدامی در سال گذشته نداشت که من از نیروهای خود سازمان در این زمینه استفاده کردم. این قانون را در چهار فاز مشخص تا پایان سال جاری به پایان می رسانیم و امیدواریم افتتاح آزمایشی آن را تا پایان دولت فعلی انجام دهیم. اکنون یک میلیون دستگاه کارتخوان ساماندهی شده و به سازمان امور مالیاتی وصل شده است. همچنین ۳۲۰ هزار پرونده مالیاتی که متعلق به ۸۴۰ هزار دستگاه پوز است، به سازمان امور مالیاتی وصل است و اطلاعات آن در اختیار این سازمان قرار می گیرد. در راستای اجرای این قانون فاز بعدی فراخوان ها و تکمیل زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری است.»

وی با اشاره به ۲۷۰ هزار میلیارد تومان معوقات مالیاتی گفت: «تنها ۲۰ هزار میلیارد تومان از این میزان قابلیت تحقق طی دوسال را دارد، زیرا اگر فرهنگ و ساختار مالیاتی مربوطه در این زمینه وجود داشت، حتما بالای ۳۷۰ هزار میلیارد تومان محقق می شود، درحالی که این امکان اکنون وجود ندارد. درحال حاضر طبق محاسبات سازمان امور مالیاتی میزان فرار مالیاتی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است که ۵۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به فرار مالیاتی و ۵۰ هزار میلیارد تومان دیگر به اجتناب مالیاتی مربوط می شود.»



حسین جعفری

پژوهشگر اقتصادی

بنابر نظر کارشناسان اقتصادی، نابرابری یکی از چالش های اساسی جوامع بشری است که تاکنون هیچ یک از نظام های اقتصادی بر حل آن فائق نشده اند و بحث درمورد آن ممکن است برای همیشه نیز ادامه داشته باشد. شواهد حاکی از آن است که طی سالیان اخیر، نابرابری درآمدی و شکاف میان جمعیت فقیر و ثروتمند نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه روند رو به رشدی به خود گرفته است که طبیعتا اقتصاد ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و سالیان زیادی است دچار نابرابری درآمدی است. به منظور بررسی و تحلیل سطح نابرابری توزیع درآمد، روش های متعددی توسط آمارشناسان و اقتصاددانان معرفی شده است که یکی از مناسب ترین آنها محاسبه ضریب جینی است. ضریب جینی برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ برابر با ۰/۴۰۸ بود که در مقایسه با روند از سال ۱۳۳۰ تا امروز حدود میانگین آن درحد همان ۰/۴ است و نشان می دهد اقتصاد ایران سالیان درازی است با نابرابری درآمدی دست وپنجه نرم می کند ولی تاکنون سیاست های اقتصادی دولت ها در جهت کاهش این نابرابری موفق آمیز نبوده است. همچنین بررسی ها در این زمینه نشان می دهد از سال ۱۳۹۰ تا امروز حدود چهار درصد به نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران افزوده شده است. در سطح جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی، سه کشور جمهوری چک، بلاروس و اوکراین به ترتیب با دارا بودن ۰/۲۵، ۰/۲۵۳ و ۰/۲۶۶ کمترین ضریب جینی با همان کمترین نابرابری درآمدی را داشته اند و سه کشور آفریقای جنوبی، نامیبیا و هائیتی به ترتیب با دارا بودن ۰/۶۳۴، ۰/۶۱۰ و ۰/۱۶۰ بیشترین ضریب جینی یا همان بیشترین نابرابری درآمدی را در سطح جهان به خود اختصاص داده اند و کشور ایران هم در ردیف کشورهایی نظیر اکوادور، مکزیک، آرژانتین، ترکیه و بولیوی قرار دارد که در مقایسه با میانگین جهانی، کشورهای ذکرشده جزء کشورهایی با بیشترین نابرابری درآمدی قرار می گیرند. همچنین این مقدار در سال ۱۳۹۸ برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۰/۳۸ و ۰/۳۵ اعلام شد که نشان می دهد نابرابری درآمدی در مناطق شهری همواره از مناطق روستایی بیشتر بوده و این نابرابری در مناطق شهری بیشتر به چشم می خورد. عواملی مانند سیاست های مالیاتی، مخارج دولت، نوع درآمد، تعدیل قیمت ها، کمک های انتقالی دولت، حداقل دستمزد، نرخ بیکاری و تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد به عنوان راهکارهایی برای تعدیل نابرابری درآمدی در اقتصاد شناخته می شوند که باید توسط دولت ها و نظام های اقتصادی دنبال شوند.

افزایش نابرابری در دولت روحانی

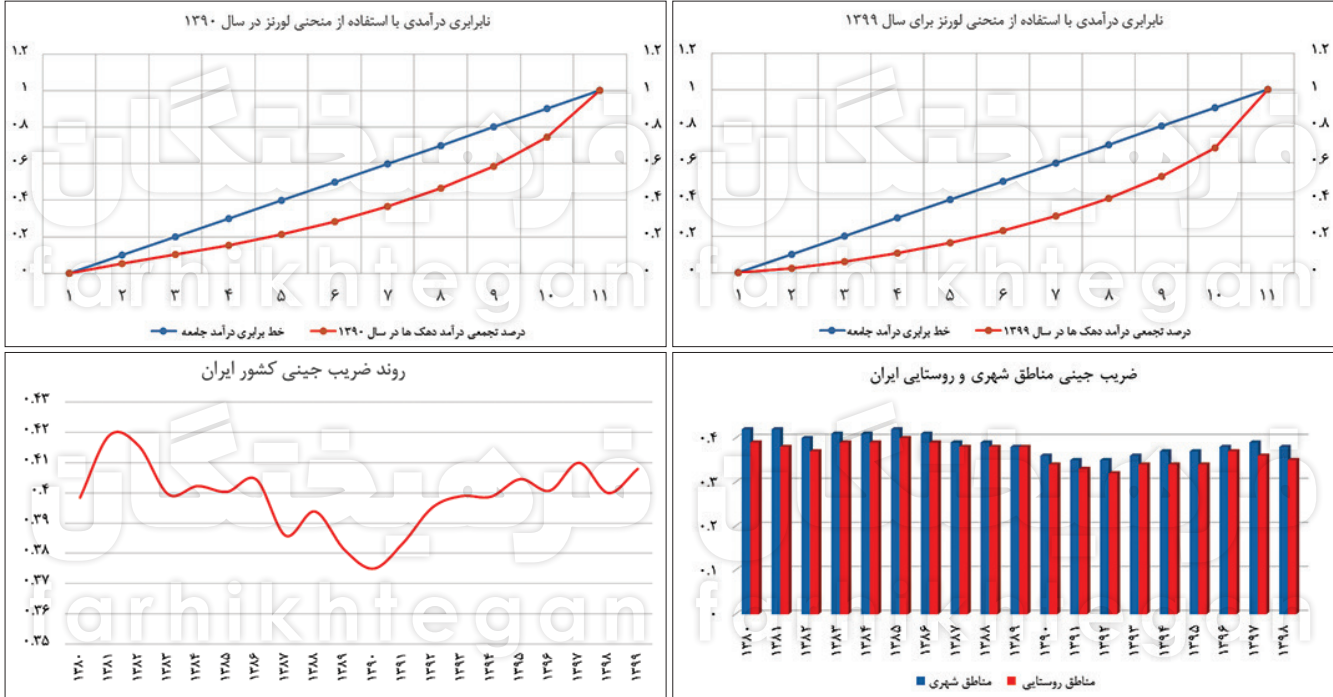
همان طور که پیش تر نیز گفته شد؛ نابرابری در توزیع درآمد و مباحث عدالت اجتماعی هر جامعه دغدغه خاطر سیاستمداران هر کشوری است. برای سنجش نابرابری توزیع درآمد معیارهای مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد که ضریب جینی یکی از مهم ترین و پرکاربردترین این معیارهاست. ضریب جینی یک شاخص آماری بین صفر و یک است که مقدار صفر اشاره به برابری کامل توزیع درآمد دارد و در مقابل مقدار یک نشان دهنده نابرابری کامل در توزیع درآمد است. از لحاظ هندسی ضریب جینی براساس منحنی لورنز تعریف می شود و به مساحت بین خط برابری درآمد جامعه و درصد جمعی درآمد افراد جامعه در منحنی لورنز، ضریب جینی گفته می شود. در این منحنی هر چه درصد جمعی افراد جامعه به خط برابری درآمد جامعه نزدیک تر باشد؛ نشان از نابرابری درآمدی کمتر و به تبع آن ضریب جینی کوچک تر و هرچه این دو خط از هم دور شوند یا به عبارت دیگر خط درصد جمعی درآمد افراد جامعه حالت مقعرتر به خود بگیرد؛ نابرابری درآمدی و ضریب جینی بزرگ تر می شود. با رسم این منحنی برای دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۹ برای اقتصاد ایران و مقایسه آنها متوجه می شویم در سال ۱۳۹۹ این دو خط فاصله بیشتری از یکدیگر نسبت به سال ۱۳۹۰ پیدا کرده اند و به راحتی می توان گفت که از سال ۱۳۹۰ به بعد اقتصاد ایران روبه افزایش نابرابری درآمدی آورده و این نابرابری در دهه ۹۰ برای اقتصاد ایران بیشتر شده است.

بررسی روند ضریب جینی از سال ۱۳۸۰ نیز شاهد این مدعاست در دهه ۹۰ نابرابری درآمدی برای اقتصاد ایران افزایش یافته است. مجموع سیاست های اتخاذشده در دهه ۸۰ موجب شد ضریب جینی از مقدار خود در سال ۱۳۸۰ که برابر با ۰/۴ بود، در سال ۱۳۹۰ به پایین ترین مقدار خود، یعنی ۰/۳۷ برسد اما پس از آن با جهش هایی که در دهه ۹۰ در نرخ از اتفاق افتاد و به دنبال آن، افزایش تورمی که شاهد آن بودیم که منجر به کاهش قدرت خرید خانوارها شد و درنهایت افزایش قیمت بنزین که در سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد، ضریب جینی برای اقتصاد ایران مجددا صعودی شد و در سال ۱۳۹۹ به ۰/۴۰۸ رسید و به نوعی می توان گفت از سال ۱۳۹۰ تا امروز نابرابری درآمدی در حدود چهار درصد بیشتر شده است. از آنجا که تورم، قدرت خرید خانوارها را تهدید می کند؛ در ارتباط

اقتصاد

دولت روحانی اقتصاد را با بدترین وضع نابرابری تحویل می دهد

به جنگ تبعیض بروید



آن نابرابری درآمدی افزایش یافت؛ با تضعیف تولید و عدم سودآوری فعالیت های مولد، پس انداز افراد جذب فعالیت های سوداگرانه در اقتصاد می شود. به هرحال مساله نابرابری تنها مختص اقتصاد ایران نبوده است و همان طور که در ابتدای گزارش گفته شد؛ یک مساله جهانی است اما عامل ایجاد نابرابری درسطح جهان تفاوت بسیار زیادی با اقتصاد ایران دارد. بنابر گزارش های مجمع جهانی اقتصاد، عامل اصلی نابرابری در اقتصاد، ضعف سیستم آموزشی کشورها معرفی می شود و برای مقابله با نابرابری، افزایش سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختی اقتصاد، افزایش شفافیت در فعالیت های اقتصادی و ارتقای سطح آموزش در کشورها را پیشنهاد می کند. بنابر آخرین گزارش های این مجمع در سال ۲۰۲۰ میلادی، با تقسیم بندی کشورها در ۶ طبقه، آسیایی، اروپایی، آمریکای لاتین، خاورمیانه و شمال آفریقا، آمریکای شمالی و جنوب صحرای آفریقا، عامل نابرابری درآمدی و سیاست های پیشنهادی برای هرکدام از این تقسیم بندی ها معرفی شده است.

۱۴ راهکار برای کاهش نابرابری ها در ایران

در تمامی اقتصادها مهم ترین سیاستی که موجب توزیع مجدد درآمد می شود، نظام مالیاتی کارا است. پس از نظام مالیات کارا و مالیات ستانی صحیح برای توزیع مجدد درآمد می توان محدود کردن جولانگاه فعالیت های نامولد و کنترل تورم را معرفی کرد که نه تنها برای تعدیل نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران موثر هستند بلکه به عنوان سیاست های زیربنایی شناخته می شوند که توانایی حل بخش اعظمی از مشکلات اقتصاد ایران را نیز دارا هستند. درنهایت مهم ترین راهکارهایی که برای بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران می توان در نظر گرفت، به شرح زیر است: در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از ارزش افزوده اقتصاد ایران در بخش خدمات متمرکز شده است. این درحالی است که گسترش این بخش و پایین بودن ظرفیت های تولیدی کشور تنها موجب گسترش فقر در جامعه شده؛ از این رو حمایت از تولید به ویژه حمایت از کسب وکارهای کوچک اهمیت زیادی برای بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران دارد.

درآمد اصلی ساکنان روستا به طور کلی در فعالیت های کشاورزی و دامداری آنها خلاصه می شود ولی به دلیل انحصاری دولت به درآمدهای نفتی و واردات محصولات خارجی، توجه چندانی به بخش کشاورزی نشده است ارزش افزوده این بخش بنابر آمار موجود به ۱۲ درصد رسیده است. از منظر توزیع درآمد عدم توجه به این بخش باعث می شود کشاورزان که بخش قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می دهند از نظر درآمدی در وضعیت مناسبی قرار نداشته باشند. بنابراین توجه به این بخش موجب بهبود توزیع درآمد در جامعه می شود.

در حال حاضر یارانه های مختلفی از سوی دولت به اشکال مختلف پرداخت می شود. در بسیاری از موارد این یارانه ها خاصیت توزیع کنندگی ندارند بلکه حتی در جهت معکوس عمل می کنند، به این معنی که افراد در دهک های بالای درآمدی جامعه از یارانه ها نسبت به افراد در دهک های پایین درآمدی جامعه بیشتر برخوردار می شوند؛ زیرا که اغلب این یارانه ها بر مصرف کالاها پرداخت می شوند. بنابراین توجه به اصابت دقیق این یارانه ها و شناسایی افسار مستحق تر دریافت یارانه، کمک شایانی به بهبود توزیع درآمد در جامعه می کند.

نظام تامین اجتماعی گرچه در سال های اخیر بهبود یافته است، اما هنوز از پوشش مناسب برخوردار نیست. بسیاری از کارگران به صورت غیررسمی و در خارج از چارچوب قانون کار استخدام می شوند. از این رو تحت پوشش بیمه های مختلف تامین اجتماعی قرار نمی گیرند که باید به تدریج به جمع افسار تحت پوشش اضافه شوند. بنابراین بهبود نظام تامین اجتماعی درنهایت منجر به بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران می شود.

با قدرت خرید خانوارها در دهه ۹۰ می توان گفت این کاهش قدرت خرید خانوارها برای دهک های مختلف جامعه یکسان نبوده و نسبت کاهش قدرت خرید طبقات پایین جامعه بیشتر از کاهش قدرت خرید طبقات بالای جامعه بوده که برآیند آن منجر به افزایش ضریب جینی برای اقتصاد ایران شده است. در حال حاضر درصورت بی توجهی به این معضل، نابرابری درآمدی می تواند عاملی تهدیدکننده برای ثبات سیاسی کشور همانند اتفاقات آبان ماه سال ۱۳۹۸ که بعد از گرانی بنزین اتفاق افتاد، باشد و از طرفی نیز می تواند اثرگذاری ابزارهای بازار نظیر قیمت را ضعیف کند؛ زیرا که نابرابری درآمدی به مرور موجب می شود اثرگذاری ابزارهای بازار تنها روی عده ای خاص از مردم موثر بیفتد و نتوان از این ابزارها به عنوان سیاستی اثرگذار بر اقتصاد استفاده کرد.

نابرابری در شهرها بیشتر از روستاهاست

بررسی روند ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی نشان می دهد از سال ۱۳۸۰ تاکنون میانگین ضریب جینی در مناطق شهری ۰/۳۹ و در مناطق روستایی ۰/۳۶ است. این ضریب همه ساله برای مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده و آمارها نشان می دهد در سال ۱۳۹۸ این ضریب برای مناطق شهری ۰/۳۸ و برای مناطق روستایی ۰/۳۵ است و طبق آن می توان گفت مناطق شهری بیشتر درگیر نابرابری درآمد هستند. همانند ضریب جینی کل کشور، این ضریب برای مناطق روستایی و شهری تا سال ۱۳۹۱ رو به کاهش بوده و سپس با شروع دهه ۹۰، مجددا رو به افزایش گذاشت. به نظر می رسد در مناطق روستایی از آنجا که برای تمامی افراد امکان کسب درآمد از مشاغل کشاورزی و دامداری و دامپروری مهیاست موجب شده نابرابری در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری باشد. از طرفی نیز هزینه های زندگی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر است و این عامل باعث شده افراد در مناطق شهری بخش بیشتری از درآمدهای خود را صرف گذران هزینه های زندگی خود کنند که درنهایت این عامل باعث نابرابری بیشتر درآمد در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی شود.

چرا نابرابری در ایران کاهش پیدا نمی کند؟

از آنجا که نابرابری در اقتصاد ایران طی سالیان درازی وجود داشته و هنوز دولتی در کاهش پیوسته با تعدیل دائمی آن موفق نبوده است می توان نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران را به عنوان یک عامل همیشگی و نهادینه شده در اقتصاد ایران در نظر گرفت و بنابراین عامل آن هم باید در ساختار اقتصادی ایران دنبال کرد. در قبل از انقلاب اسلامی، افزایش درآمدهای کشور ناشی از قیمت نفت، منابع مالی و ارزهای خارجی بسیاری را برای کشور ایران به ارمغان آورد؛ عدم برنامه ریزی و نداشتن سیاست های

سیاست های پیشنهادی مجمع جهانی اقتصاد برای کاهش نابرابری در کشورها		
کشورها	عامل نابرابری درآمدی	سیاست پیشنهادی
کشورهای آسیایی	ضعف آموزشی	ارتقای سطح آموزش و همه گیر کردن آموزش؛ اصلاح نظام مالیاتی و تعیین گروه هدف برای توزیع مجدد درآمد
کشورهای اروپایی	کاهش انگیزه تحصیل در افراد، وجود برخی نظام های مالیاتی ناکارآمد به ویژه در کشورهای اروپای شرقی	اصلاح نظام مالیاتی، افزایش سطح آموزش، توزیع مجدد درآمد از طریق شناخت گروه های هدف، تخصیص منابع مالی به پرورش کودکانی که می توانند آینده اقتصادی کشور در اختیار داشته باشند.
کشورهای آمریکای لاتین	نظام ناکارآمد تامین اجتماعی	ارتقای سطح آموزش، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح قوانین مربوط به تامین اجتماعی و بهبود رفاه اجتماعی
کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا	عدم مدیریت صحیح منابع مالی حاصل از منابع طبیعی	ایجاد فرصت های شغلی مرتبط با تولید ناخالص داخلی، اصلاح نظام مالیاتی و کسب مالیات از نهاده ثروتمند که به موجب قانون از پرداخت مالیات معاف شده اند، اصلاح نظام تامین اجتماعی و افزایش پوشش بیمه بهداشت و درمان
آمریکای شمالی	برخی ناکارایی های اقتصاد سرمایه داری	اصلاح نظام مالیاتی، توسعه سیستم آموزشی، توزیع مجدد درآمد
کشورهای جنوب صحرای آفریقا	کمبود فرصت های شغلی	ایجاد فرصت های شغلی، توسعه فضای کار در کشور، ارتقای سطح آموزش در کشور